

مسجد

برموزه و جوراب

دیزاین: الحاج سلیف، عابد پیمان سوئد



Ketabton.com



۱۳۹۴

تتبع، نگارش و نوشته از:

الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »

و داکتر صلاح الدین « سعیدی - سعید افغانی »

www.masjed.se

مسح برموزه و جوراب

بسم الله الرحمن الرحيم

مسح برموزه و جوراب

مسح بر خفین و جوراب یکی از موضوعات قابل بحث بین فقهای اسلام بشمار میرود و دارای احکام خاصی در دین مقدس اسلام میباشد ، بهترین حکم این مساله را که بطور علمی مورد تدقیق و بررسی قرار گرفته در جانب سایر احکام و فتاوی که از جانب علماء بیان گردیده ، حکم و فتاوی عالم شهیر جهان اسلام شیخ محمد بن صالح العثیمین رحمه الله در این بابت میباشد ، که توانسته موضوع را از دید جوانب مختلفه مورد بررسی دقیق و همه جانبه قرار دهد که در ذیل نظریات دانشمند محترم را با شما شریک می سازم :

شیخ محمد بن صالح العثیمین رحمه الله در مورد مسح به خفین و جوراب مینویسد :
منظور از خُف، آنچه که از جنس پوست و چرم و مانند آنست و بر روی پاها پوشیده می شود (جوراب چرمی یا پوستی)، و منظور از جوراب؛ آنچه که از جنس پارچه یا نخ و مانند آنست و بر روی پا پوشیده می شود، و به سُراب (جوراب ساقه بلند) نیز شناخته می شود.
شیخ محمد بن صالح العثیمین رحمه الله در مورد حکم فقهی مسح بر خُف و جوراب میفرماید ؟
مسح بر آنها سنتی است که از پیامبر صلی الله علیه وسلم وارد است بنابراین مسح بر خُف و جوراب از درآوردن آنها بقصد شستن پاها افضلتر است.

و دلیل آن:

حدیث مغیره بن شعبه رضی الله عنه آمده است : که در باره وضو پیامبر صلی الله علیه وسلم چنین روایت نموده است :

مغیره میفرماید : « كنت مع النبي صلى الله عليه وسلم ذات ليلة في مسير، فأفرغت عليه من الإداوة فغسل وجهه وذراعيه ومسح برأسه، ثم أهويت لإنزع خفيه فقال : دعهما فإني أدخلتهما طاهرتين. فمسح عليهما » (متفق عليه) « شبي در راه با پیامبر صلی الله علیه وسلم بودم، از آبی که در ظرف بود بر دست‌هایش ریختم، روی و دست‌هایش همراه با ساعدهایش را شست و سرش را مسح کرد»، سپس خواستم تا خفهایش را در بیاورم فرمود : «دعهما فإني أدخلتهما طاهرتين» یعنی: آنها را در نیاور چون در حالت طهارت آنها را پوشیده‌ام (وضوء داشتم) سپس بر آنها مسح کرد». (این حدیث در بخاری، کتاب الوضوء (206) و مسلم، کتاب الطهارة (274) ذکر گردیده است .

ناگفته نباید گذاشت که : مشروعیت مسح بر خُفها در قرآن عظیم الشان و سنت رسول صلی الله علیه وسلم نیز بوضاحت ثابت گردیده است :

قرآن عظیم الشان حکم میفرماید : « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ » (سوره المائدة: آیه 6) یعنی: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که به نماز می‌ایستید، روی و دستها را تا تارقاتا آرنج بشوید و سر را مسح نمایید و پاها را تا کعبین (بجلك ها) بشوید.

حال در این فرموده « وَأَرْجُلَكُمْ » دو قرائت در قرائت‌های هفتگانه از رسول الله صلی الله علیه وسلم وجود دارد:

قرائت اول:

« وَأَرْجُلَكُمْ » با نصب لام که در اینصورت بر (وَجُوهَكُمْ) عطف خواهد شد و لذا پاها در این حالت شسته می شوند. (یعنی با این قرائت، حمل بر مکشوف بودن پاها می شود پس باید شسته شوند)

قرائت دوم:

« وَأَرْجُلَكُمْ » با لام مجرور که در اینصورت بر « بِرُءُوسِكُمْ » عطف خواهد شد لذا در این حالت پاها مسح خواهند شد. (یعنی با این قرائت، حمل بر پوشیده بودن پاها با خُف یا جوراب می شود پس باید مسح شوند) و آنچه که بیان می دارد که پاها یا مسح می شوند یا شسته، سنت نبوی است.

مسح بر موزه و جوراب

چنانکه هرگاه پاهای مبارک رسول صلی الله علیه وسلم مکشوف بود آنها را می شست و هرگاه پاهای خود را با خُف پوشیده می ساخت بر روی آنها مسح می نمود. اما دلیل آن از سنت، این امر از سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم به تواتر رسیده است، امام احمد رحمه الله می فرماید :

در قلب من هیچ شکی در مورد جواز مسح وجود ندارد. و چهل حدیث از رسول الله صلی الله علیه وسلم و اصحاب بزرگوارش رضی الله عنهم در این مورد وارد است.

شروط ثابت و صحیح مسح بر خُفها:

شیخ العثیمین رحمه الله برای مسح بر خُفها چهار شرط را لازم میداند :

شرط اول:

موزه و جوراب باید زمانی پوشیده شوند که بدن طهارت داشته باشد، و دلیل آن طوریکه در فوق بدان اشاره نمودیم: حدیثی مغیره بن شعبه است: «دعهما فانی ادخلتهما طاهرتین» یعنی: آنها را در نیاور چون در حالت طهارت آنها را پوشیده ام (وضوء داشتم). بخاری، کتاب الوضوء (206) و مسلم، کتاب الطهارة (274).

شرط دوم:

باید خُف ها و جوراب پاک باشند، در صورتیکه خُف ها و جوراب نجس باشند، در آنصورت مسح بر آنها جایز نیست، و دلیل آن اینست که رسول الله صلی الله علیه وسلم روزی با اصحاب خود نماز می خواندند بعد ایشان در اثناء نماز بوت های شان را در آوردند، زیرا جبرئیل علیه السلام به وی خبر داده بود که نجاستی بر قف بوت های شان چسبیده است. (أبو داود ، کتاب الصلاة (650). و این دلیل است بر اینکه جایز نیست که با چیزی نماز خوانده شود که نجاستی داشته باشد، و از طرفی اگر با آب بر روی نجاست مسح صورت گیرد، فرد مسح کننده به نجاست آلوده می شود و در آن صورت صحیح نیست که او را پاک و طاهر نامید.

شرط سوم:

مسح بر روی آنها فقط در وضوء صورت گیرد نه در حالت غسل جنابت یا هر امری که باعث غسل واجب گردد، و دلیل آن حدیث صفوان بن عسال رضی الله عنه است که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم به ما امر نمود که هرگاه در سفر بودیم تا سه شب و روز خُف هایمان را در نیاوریم مگر در جنابت (در این صورت باید خُفها را در آوریم چون مسح باطل می شود) اما بر اثر مدفوع، ادرار و خواب (که همگی موجب باطل شدن وضوء هستند)، در آوردن آنها لازم نیست. ترمذی ، کتاب الطهارة (96) ، و نسائی ، کتاب الطهارة (127) ، و ابن ماجه کتاب الطهارة (478).

بنابراین طبق این حدیث، مسح باید در بی وضوئی باشد و در هنگام غسل واجب مسح جایز نیست. (بلکه باید خُفین را از پا در آورد و سپس غسل انجام داد، بعد دوباره می توان خُفها را پوشید و اینبار هنگام بی وضوئی بر روی آنها مسح کرد)

شرط چهارم:

مسح باید در مدت زمانی صورت گیرد که شرع آنرا مشخص کرده است، که یک شبانه روز برای شخص مقیم و سه شبانه روز برای مسافر است، چنانکه علی ابن ابیطالب رضی الله عنه روایت کرده: «جعل رسول الله صلی الله علیه وسلم ثلاثة أيام ولياليهن للمسافر و يوما و ليلة للمقيم» «پیامبر صلی الله علیه وسلم (مدت مسح را) سه شبانه روز برای مسافر و یک شبانه روز برای مقیم تعیین کرد». روایت مسلم کتاب الطهارة (276).

و این مدت از اولین مسح شروع می شود و بعد از بیست و چهار ساعت (برای مقیم) و هفتاد دو ساعت برای مسافر بعد از اولین مسح پایان می رسد.

مثلا اگر فرض کنیم شخصی جهت ادای نماز صبح سه شبانه وضوء می گیرد و وضوءی او تا ادای

مسح بر موزه و جوراب

نماز عشاء باقی بماند، سپس بخوابد (که این خواب باعث ابطال وضوء پیش می شود) و بعد جهت ادای نماز صبح روز چهارشنبه برخیزد و مثلاً در ساعت پنج صبح خف پوشیده و بر آن مسح کند، حال اگر ابتدای مدت از ساعت پنج صبح روز چهارشنبه تا ساعت پنج صبح روز پنجشنبه باشد، چنانکه او در روز پنجشنبه و قبل از اتمام ساعت پنج (که هنوز مدت بیست و چهار ساعت تمام نشده) مسح کند او می تواند نماز صبح روز پنجشنبه را با این مسح ادا کند و علاوه بر آن تا زمانیکه طهارتش باقیست هر نماز دیگری بخواند، زیرا بر طبق قول راجح علماء وضوءی او با پایان مدت (مسح خفین) نقض نمی شود و این بدان خاطر است که رسول الله صلی الله علیه وسلم برای طهارت مدت زمانی تعیین نکرده بلکه برای مسح مدت گذاشته است، بنابراین اگر مدت (یک شبانه روز برای مقیم) پایان رسید او فقط نمی تواند که بر خفین مسح کند ولی با این وجود وضوء پیش (چنانکه قبلاً باطل نشده باشد) هنوز باقیست زیرا این وضوء بنا بر دلیل شرعی ثابت می ماند و هرآنچه که با دلیل شرعی ثابت است جز با دلیل شرعی نقض نخواهد شد و از طرفی هیچ دلیلی وجود ندارد که با پایان یافتن مدت مسح خفین وضوء نیز باطل می شود و اصل بر بقا است مگر اینکه زوال آن بیان گردد.

و این موارد شروط لازم جهت مسح بر خفین بودند و البته بعضی از علماء شروط دیگری را ذکر کرده اند که برخی از این شروط محل نظر هستند.

پوشاندن کل پای با جوراب ها:

برخی از فقها شرط گذاشته اند که خف و جوراب باید تمامی محل فرض (یعنی قسمتی از پا که باید شسته شود) را بپوشانند؟

در جواب این تعداد از فقها باید گفت که: این شرط صحیح نیست زیرا دلیلی بر آن وجود ندارد، و مادامیکه اسم خف و جوراب باقیست (و هنوز می توان بدانها خف یا جوراب گفت) مسح بر آنها نیز جایز است، زیرا سنت در مسئله مسح خف بر وجه مطلق آمده و چنانکه شارع مسئله ای را بصورت مطلق بیان کرده باشد برای احدی جایز نیست که آنرا مقید نماید مگر اینکه برای ادعای خود نصی از شارع و یا قاعده ای شرعی داشته باشد که آنرا مقید سازد، و بر این اساس جایز است که حتی بر خف سوراخ نیز مسح کرد، همچنین مسح بر خف نازک نیز جایز است زیرا هدف از پوشیدن خف، پوشاندن پوست نیست بلکه هدف از آن ایجاد گرما برای شخص است و نفعی به وی برساند، و من مسح بر خف را جایز می دانم چرا که بیرون آوردن آن موجب سختی است و در آن فرقی بین جوراب ضخیم یا نازک با جوراب سوراخ یا سالم وجود ندارد بلکه مهم آنست که تا زمانیکه اسم خف باقیست (یعنی هنوز می توان بر آن اسم خف گذاشت) پس مسح بر آن نیز جایز است.

نظر فقه حنفی در مورد مسح بر موزه و یا هم چراب:

علماء پیروی فقه حنفی میفرمایند: آنچه از موزه های باریکی که آب از آن نفوذ می کند، و یا بدون بستن نمی توان با آن راه رفت و یا این که مسیر یک میل یا دو میل را پی در پی با آن طی کرد، مسح بر همچو موزه ها اصلاً جایز نمی باشد.

همچنان در باره جوراب های تار میفرمایند که: اگر جوراب ها تار می و یا هم دارایی بافت پشمی باشد؛ شرط مسح بر آن اینست که ساق پاها را محکم گرفته و بدون چپلی و کفش و غیره سه میل منزل پیاده در آن شده بتواند یا اینکه جوراب های (مجلد) و منعل باشد.

منعل آنست که زیر آن چرم باشد و مجلد آنست که بر تمام جوراب چرم د وخته شده باشد.

در (دالمختار) آمده: « علی ظاهر خفیه او موقیه الخ او جوربیه ولو من غزل او شعر الثخینین بحیث یمشی فرسحا و یثبت علی الساق بنفسه و لایری ما تحته ولا یشف الخ والمنعلین و المجلدین

الخ د رالمختار جلد اول صفحه 246 فتاوی دارالعلوم دیوبند جلد اول صفحه 202-203 « ولا یجوز المسح علی الجورب الرقیق من غزل او شعر بلا خلاف ولو كان ثخینا یمشی معه فرسحا

مسح بر موزه و جوراب

فصاعدا فعلى الخلاف « (البحر الرائق: ١٩٢/١) (فإن كانا رقيقين يشفان الماء لا يجوز المسح عليهما بالإجماع (بدائع: ٨٣/١) البته اگر کپڑا اتنا موٹا ہو جس میں مذکورہ اوصاف ہوں تو اس کے موزوں پر مسح جائز ہوگا۔ لاشک أن المسح على الخف على خلاف القياس فلا يصح إلحاق غيره به إلا إذا كان بطريق الدلالة وهو أن يكون في معناه ومعناه السائر لمحل الفرض الذي هو بعدد متابعة المشى فيه في السفر وغيره (فتح القدير: ١٠٩/١)

وأما المسح على الجوربين فإن كانا مجلدين أو منغلين يجزيه بلا خلاف عند أصحابنا وإن لم يكونا مجلدين ولا منغلين فإن كانا رقيقين يشفان الماء لا يجوز المسح عليهما بالإجماع وإن كانا ثخينين لا يجوز عند أبي حنيفة وعند أبي يوسف و محمد يجوز وروى عن أبي حنيفة أنه رجع إلى قولهما في آخر عمره (بدائع: ٨٣/١)

علما فقه حنفى مى افزايند :

برجوراب تاري وپشمي وجوراب هاي مروجہ امروزي شرايط مسح به اين قسم جورابها موجود نيست و مسح بر آن جايز نيست؛ اگر امامی بر موزه باریکی که آب از آن نفوذ می کند، و یا موزه که بدون بستن نمی توان با آن یک میل یا دو میل پی در پی راه رفت ، و یا هم برجوراب های تاري وپشمي امروزه ، مسح کند نه نماز خودش قبول می شود نه نماز اشخاصیکه در پشت آن امام نماز خوانده اند هم قبول نمیشود .

علماء فقه حنفى مى افزايند اگر اين تعداد اشخاص از عمل مسح امام بر همچو موزه ها وهمچو جوراب ها اطلاع حاصل نمايند ، بايد به اعاده نماز خویش نیز اقدام ورزند .

ارای مخالف در مسح بر جوراب ها :

علامه ابن رشد د ربدایته المجتهد جلد اول صفحه 19 مینویسد :د رباره مسح بر جوربين يك تعداد از علماء بر عدم جواز اند ؛ امام صاحب ابو حنيفة (رح) امام صاحب مالك (رح) و امام صاحب شافعي (رح) قایل بر عدم جواز اند.

وتعدادی دیگرى از علماء قایل بر جواز مسح بر جوراب اند که از آنجمله میتوان از امام صاحب ابو یوسف ؛ امام صاحب محمد ؛ وسفیان ثوري نام برد ، این تعداد از علماء میفرمایند که : مسح بر جوراب ها جایز است بشرط که ثخين باشد ؛ امام خطابی د رمعالم السنن جلد اول صفحه 121 مینویسد : که : مسلك امام احمد ؛ واسحاق بن راهويه همین است.

امام ترمذی در جلد 1 صفحه 29 عین قول سفیان ثوري ؛ ابن المبارک شافعی ؛ احمد و اسحاق را بیان کرده است ؛ مبارک فوري د ر تحفته الاحوذی جلد اول صفحه 103 مینویسد :

اصل سخن اینست که جمهور گفته است که مسح بر جوربين جایز نیست وقتیکه ثخين نباشد چرا که وظیفه های غسل است که به نص قرآنی ثابت است عدول از آن الي المسح ذریعه احادیث صحیحه ممکن است و آن فقط د رباره مسح بر خفین است نه که د رباره مسح بر جوربين چرا که این احادیث صحیح نیستند (جورب) موزه تاري یا پشمي را گویند جراب اگر به د و طرف آن چرم پیوسته شود آنرا (مجلد) گویند ؛ و اگر صرف به حصه پائین آن چرم باشد و یا پیوسته شود آنرا (منعل) گویند ؛ و اگر تمام موزه از چرم باشد آنرا (خفین) گویند ؛ باشد به خفین جوربين مجلدین ؛

وجوربين منغلين ؛ به اتفاق مسح جایز است و اگر جوربين ؛ مجلد یا منعل نباشد؛ ورقیق بوده یعنی شرايط ثخين د رآن موجود نباشد به اتفاق مسح بر آن جایز نیست ؛ البته د ر مسح بر جوربين غیر مجلدین و غیر منغلين ثخين اختلاف است ؛ مطلب ثخين این است که د رآن سه شرایط موجود باشد.

1- شفاف نباشد ؛ یعنی اگر آب به آن بریزد به پای ها نرسد و دیده هم نشود

2- مستمسك بغير استمسك باشد ؛ یعنی بدون بستن به چیزی خود جراب محکم باشد .

3- د رآن تتابع مشي ممکن باشد؛ یعنی رفتن پی در پی د رین نوع موزه و یا جراب د رجواز مسح بر آن اندك اختلاف است ؛ مسلك جمهور یعنی ؛انمه ثلاثه وصاحبين اینست که مسح بر آن جایز

مسح بر موزه و جوراب

است؛ اصل مذهب امام ابوحنیفه رحمه الله عد م جواز مسح بر آن است لکن صاحب هدایه و صاحب بدائع نقل نمودند که امام صاحب رحمه الله در اخیر به مسلک جمهور رجوع نموده است ، در مجمع الانهر ؛ نگاشته اند که این رجوع نه 9- روز و یا سه 3- روز قبل از وفات وی رحمه الله بوده است و در یک نسخه دیگر قلمی ؛ جامع الترمذی از علامه عابد سند هی رحمه الله یک عبارت دیگر موجود است ؛ (قال ابو عیسی سمعت صالح بن محمد الترمذی قال سمعت ابا مقاتل السمرقندی یقول دخلت علی ابي حنیفته رحمه الله فی مرضه الذی مات فیہ فدعا بماء فتوضا وعلیه جوربان فمسح علیهما ثم قال فعلت الیوم شیاً لم اکن افعله مسحت علی الجوربین وهما غیر منعلین) ؛ کذافی طبعته الحلبي للترمذی تصیح الشیخ احمد شاکر المحدث ؛ بهر حال ازین هم معلوم میشود که امام صاحب رحمه الله در آخر عمر ؛ به قول جمهور رجوع نموده بود ؛ پس حالا به این مسئله اتفاق بوده که مسح بر جوربین نخبین جائیز است ؛ اما قابل تذکر است ؛ که جواز مسح بر جوربین در حقیقت به علت تنقیح المناط بوده است ؛ یعنی در کدام جوراب که سه 3 - شرائط متذکره ملاحظه گردد در آنها در خفین داخل اند و حکم جواز مسح بر آن می گردد ورنه در کدام روایاتی که ذکر مسح بر جوربین است همه ضعیف اند ؛ یا اقلاً خبر واحد است که به سبب آن زیادت بر کتاب الله جائیز نیست ؛ بلکه جواز آن از احادیث مسح بر خفین بطور علت ؛ غایت است .

عدم دست یابی به آب :

بطور مثال شخصی (بدلیل نیافتن آب ناچاراً) تیمم می کند و سپس خفین به پا می کند، آیا برای او جایز است که هرگاه به آب دست یافت باز بر خفین مسح کند ؟ در جواب باید گفت : اگر این شخص بجای آب با خاک تیمم گرفته باشد، در آنصورت برایش جایز نیست که بر خفین مسح نماید ، زیرا در حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم به صراحت فرموده است : « فانی ادخلتهما طاهرتین » در حالت طهارت (پاها) آنها را پوشیده ام (وضوء داشتم) . بخاری (206) و مسلم (274) .

در حالیکه طهارت کردن با تیمم شامل پاها نمی شود بلکه در تیمم فقط صورت و دو کف دست شامل طهارت می شوند و بر این اساس اگر شخصی آب جهت طهارت نداشت یا اینکه مریض بود و توانایی استفاده از آب را جهت وضوء گرفتن نداشت، او می تواند خفین بپوشد هرچند که طهارت نداشته باشد و مدت استفاده از آن نیز نامحدود است بلکه تا زمانیکه به آب دست می یابد یا اینکه اگر مریض است تا وقتیکه شفا می یابد (که در آنصورت برای نماز باید خفین را درآورده و با آب وضوء بگیرد) زیرا پاها در تیمم گرفتن طهارت نمی شوند .

نیت در مسح بر خفین و جوراب ها :

در مسح بر موزه و یا هم جوراب ها اصلاً برای نیت ضرورتی نیست ، زیرا حکم عمل (مسح کردن) به مجرد وجود آن (وجود جوراب) ثابت می گردد و لذا ضرورتی به نیت نیست، همانگونه که اگر کسی لباس پوشید، شرط نیست که او نیت داشته باشد که با آن لباس عورت خویش را در نمازش بپوشاند، بنابراین در پوشیدن خفین نیز شرط نیست که نیت داشته باشد که آنها را مسح خواهد کرد . همچنین برای مدت مجاز آن نیز نیت لازم نیست . و طوری که در فوق یاد اور شدیم اگر شخص مسافر باشد ، میتواند تا سه شبانه روز و هرگاه مقیم بود برای یک شبانه روز آنها را مسح کند حال چه نیت آنرا داشته بود و چه نیت نکرده بود .

مدت و وقت مسافرت :

سفری که جایز است در آن نماز قصر شود همان سفری است که در آن می توان به مدت سه شبانه روز بر خفین مسح کرد، زیرا حدیث صفوان بن عسال که قبلاً ذکر کردیم می گوید « هرگاه ما در

مسح برآموزه و جوراب

سفر بودیم»، پس مادامیکه انسان مسافری است که در آن می تواند نماز را قصر کند در آنصورت می تواند سه شبانه روز نیز بر خفین مسح نماید.

توجه:

حدیث صفوان بن عسال رضی الله عنه: پیامبر صلی الله علیه وسلم به ما امر نمود که هرگاه در سفر بودیم تا سه شب و روز خُف هایمان را درنیاوریم مگر در جنابت (در این صورت باید خفها را در آوریم چون مسح باطل می شود) اما بر اثر مدفوع، ادرار و خواب (که همگی موجب باطل شدن وضوء هستند)، درآوردن آنها لازم نیست. ترمذی، کتاب الطهارة (96)، و نسائی، کتاب الطهارة (127)، و ابن ماجه کتاب الطهارة (478).

تغییر حالات مقیم به مسافر، و مسافر به مقیم در مسح:

هرگاه شخص مقیم که در حال اقامت از مسح بر خفین استفاده می برد، قبل از اینکه مدت مجاز مسح بر خفین اش به اتمام رسد آغاز به سفر نمود، در این صورت حکم بر طبق رای راجح، شرعی همین است که این شخص میتواند تا مدت زمان مجاز مسح خف برای شخص مسافر از خف استفاده کرده و بر آن مسح نماید.

همچنین اگر شخص مسافر بود و سپس مقیم گشت بر طبق قول راجح حکم شرع همین است که: او باید مدت مجاز مسح خفین برای مقیم را مراعات کند، البته برخی از اهل علم گفته اند که اگر شخص در حالت مقیم مسح کرد سپس به سفر رفت، او فقط در همان مدت مجاز برای فرد مقیم می تواند بر خفین مسح نماید ولی قول راجح همانست که گفتیم زیرا آن شخص مقیم زمانی اقدام به سفر می کند که هنوز مدت زمان مجاز مسح برای آن شخص باقی مانده بنابراین هرگاه به سفر رفت چون او در این حالت جزو مسافری خواهد بود لذا مدت زمان جایز برای مسافر که همان سه شبانه روز است به او صدقه داده می شود.

شک در مورد زمان آغاز مسح:

اگر حالتی برای شخص پیش آید که در مورد شروع مسح بر خفین و زمان آغاز آن در شک افتاده حال او باید چکار کند؟

در این حالت او باید بنا بر یقین عمل نماید، مثلاً هرگاه به شک افتاد که آیا در هنگام نماز ظهر (خفین را پوشید و بر آن) مسح کرد یا در هنگام نماز عصر، او باید برای زدودن شک از خود ابتدای مسح را از نماز عصر حساب کند، زیرا اصل بر عدم مسح است. و اما دلیل این قاعده یعنی (اصل بر بقای شیء است بدانگونه که در ابتدا بوده است) و اصل نیز در ابتدا عدم مسح است: مردی از رسول علیه الصلاة والسلام در مورد کسی سوال کرد که احساس کرده در هنگام نماز چیزی از وی خارج شده، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «لا ینصرف حتی یسمع صوتاً أو یجد ریحاً» «تا صدایی نشنود یا بویی را احساس نکند (از نماز) منصرف نشود». بخاری، کتاب الوضوء (137) و مسلم، کتاب الحيض (361). (در اینجا فردی که در نماز بوده لزوماً باید طهارت داشته باشد، لذا طبق قاعده ی فوق اصل بر طهارت اوست مگر اینکه یقین بیابد که در اثنای نماز وضوءیش باطل شده، اما کسی که از خف استفاده می کند چون در ابتدای کار از آن استفاده نمی کرد لذا اصل بر عدم پوشش خفین گذاشته می شود پس برای اینکه به یقین برسیم بنا به این قاعده چنین فرض می کنیم که در نماز ظهر خف استفاده نمی شده بلکه در نماز عصر از آن استفاده شده است و بدین ترتیب شک را از خود دور می کنیم، یعنی برای زدودن شک همیشه به اصل رجوع می کنیم و اصل در استفاده از خفین آنست که در ابتدا از خفین استفاده نمی شده، ولی اصل در نماز آنست که در ابتدا فرد طهارت داشته و بعد شروع به نماز خواندن کرده لذا در ابتدا طهارت وجود داشته و اصل در نماز وجود طهارت است).

مسح برموزه و جوراب

اتمام زمان مسح:

حکم شرعی در مورد اتمام زمان مسح (بر خفین و جوراب ها) همین است بعد از اینکه مدت تعیین شده (برای مقیم و مسافر) به پایان میرسد باید وضو جدید گیرد .
ولی اگر شخص بعد از انقضای مدت مسح (برای مقیم و یامسافر) بدون وضو به تجدید مسح بر خفین و یا جوراب بپردازد نماز اش باطل است .
بنابراین نماز گزار واجب است که بعد از انقضای مدت تعیین شده اقدام به وضو جدید و کامل نموده و پاهایش را بشوید .

مسح مجدد بر خف و جوراب ها :

هرگاه شخصی در حالی که وضو داشته خف یا جوراب را درآورد سپس قبل از اینکه وضوعیش باطل گردد دوباره آنها را بپوشد، آیا جایز است بر آنها مسح کند؟
هرگاه کسی جورابهایش را درآورد سپس دوباره بپوشد در حالیکه هنوز وضوعیش باقیست، چنانکه وضوعی اولش بوده باشد یعنی هنوز وضوعی اولش باطل نشده، در آنصورت ایرادی ندارد که (بعد از اینکه آنها را درآورد) دوباره آنها را بپوشد و بر آن مسح نماید، اما چنانکه آن وضوع، وضوعی باشد که با مسح بر جوراب گرفته شده باشد (یعنی وضوعی اولش باطل شده بعد دوباره وضوع گرفته ولی اینبار در این وضوع بر خفین مسح نموده) در اینصورت اگر جورابها بیرون آورده شوند دیگر جایز نیست که اگر دوباره پوشیده شدند بر آنها مسح نمود، زیرا پوشیدن دوباره آنها زمانی بوده که با آب وضوع گرفته نشده (پاهای شسته نشده اند) و این طهارت در حقیقت وضوعی مسح است (نه وضوعی آب)، و این از کلام اهل علم فهمیده می شود. اما اگر کسی بگوید که چنانکه شخصی جورابها را بعد از اینکه درآورد دوباره بپوشد هر چند که در حالت وضوعی مسح پوشیده باشد او می تواند تا زمانی که هنوز مدت مسح باقیست بر آن مسح کند.

موضوع در آوردن خفین در مسح:

بنابراین نباید بگوییم که در آوردن خفین جزو مبطلات مسح است؟
اگر کسی خفین خود را درآورد، وضوعیش باطل نمی شود ولی مسح آن باطل می گردد، و چنانکه آنها را دوباره پوشید در حالیکه وضوعیش باطل شده بود، لازمست که خفین درآورد و پاهایش را بشوید، و مهم آنست که بنا به کلام اهل علم بدانیم که او باید خف را هنگام گرفتن وضوعی آب که پاهای شسته می شوند بپوشد.

کیفیت مسح و محل آن:

کیفیت مسح بدینگونه است که؛ فقط کفایت تا دستان (تر شده ی) خود را از انگشتان پا تا ساق خود بکشاند، یعنی آنچه که مسح می شود فقط ظاهر بالایی خف است، پس فقط دستهای خود را از انگشتان پا تا ساق بکشاند، و نیز می تواند که با هر دو دست خود همزمان هر دو پا را مسح نماید یعنی با دست راست بر پای راست و با دست چپ بر روی پای چپ مسح نماید در یک لحظه ی همزمان همانگونه که در یک لحظه دو گوش مسح می شوند، و این از ظاهر سنت نبوی برداشت می شود به دلیل قول مغیره ابن شعبه که گفت: (پیامبر صلی الله علیه وسلم) « بر آندو مسح نمود» و نگفت: «مسح را از خف پای راست شروع کرد» بلکه گفت که پیامبر صلی الله علیه وسلم بر آندو (خف) مسح نمود.

پس ظاهر سنت نبوی چنین است، ولی اگر فرض کنیم که او با یکی از دستهایش فعالیت انجام نمی دهد (عمل نمی کند) پس می تواند ابتدا بر خف پای راست مسح کند سپس بر طرف چپ.
ولی بیشتر مردم با هر دو دست، پای راستشان را مسح می کنند و سپس با هر دو دست پای چپ خود را مسح می نمایند. و تا جاییکه خبر داریم این نوع مسح کردن اصلی در شرع ندارد، و علماء می گویند: با دست راست خف پای راست و با دست چپ خف پای چپ مسح می شود.

مسح بر موزه و جوراب

موضوع مسح بر ظاهر و قسمت های پایین خفین:

در موضوع مسح برخی از اشخاصی را می بینیم که هم بر ظاهر و هم بر قسمت پایین خفین مسح می کنند. این عمل افراد درست بوده و نماز آنها صحیح است و همچنین وضویشان نیز (با این روش مسح) درست است، اما باید توجه داشته باشند که مسح قسمت پایین خف (زیر پا) جزو سنت نیست، در سنن از حدیث علی ابن ابیطالب رضی الله عنه آمده که گفت:

«اگر دین با رای و نظر مردم می بود پس می بایست مسح زیرین خف اولتر از مسح بالای آن باشد، و من پیامبر صلی الله علیه وسلم را دیدم که ظاهر خف هایش را مسح می کرد». (ابو داود، کتاب الطهارة (162)، (164). و بر این دلالت دارد که فقط مسح قسمت بالایی خف یا جوراب مشروع است.)

یادداشت:

برخی از فقها در بین مسح بر موزه ها و جوراب زنان و مردان فرق قایل اند در توضیح این مساله باید گفت که: هیچ فرقی در مسح بر خفین بین مردان و زنان وجود ندارد، و لازمست که اینجا قاعده ای را یاد گرفت که؛ اصل آنست که هر آنچه که برای مردان ثابت است در حق زنان نیز ثابت خواهد بود و بلعکس هر آنچه که در حق زنان ثابت است در حق مردان نیز ثابت خواهد شد مگر اینکه دلیلی وجود داشته باشد که آنها را جدا نماید.

حکم در آوردن جوراب:

حکم در آوردن جوراب یا قسمتی از آن جهت خاراندن پاها یا بیرون انداختن چیزی که وارد پایش شده مانند سنگریزه و همانند آن چیست؟

اگر دستش را از زیر جوراب داخل کند ایرادی وجود ندارد، اما اگر جوراب را بیرون کشد در آنصورت اگر قسمت کمی از جوراب را از پا بیرون زده بود ضرری وارد نمی سازد، ولی اگر قسمت زیادی را بیرون کشیده بود بگونه ای که بیشتر پایش نمایان شود پس در این حالت مسح بر خفین باطل میشود.

موضوع مسح برای پنج نماز:

در نزد برخی از عوام الناس طوری معروف است که مسح بر خفین صرف برای پنج نماز جواز دارد، سپس بعد از آن بار دیگر از اول تکرار می کنند.

در جواب باید گفتن داشتن همچو نظریه درست نمی باشد، و قول صحیح آنطوریکه در فوق یاد آور شدیم همین است که: مدت مسح برای شخصی مقیم، یک شبانه روز بوده، و این شخص میتواند به مدت یک شبانه روز که بر خفین مسح میکند، فرق نمیکند پنج نماز بخواند و یا بیشتر از آن ولی ابتدای مدت آن از لحظه اولین مسح آغاز می یابد، و میتواند تا ده نماز و یا بیشتر از آن بخواند، مثلا اگر شخصی در نماز صبح روز دوشنبه خف پوشید (ولی آنرا مسح نکرد) و وضویش باقی بماند تا اینکه شب می خوابد (که در اینصورت وضویش باطل می شود)، بعد در صبح روز سه شنبه هنگام وضوء گرفتن برای نماز صبح برای بار اول بر خفین مسح کند، پس در اینجا او می تواند تا نماز صبح روز چهارشنبه (همچنان و هرگاه خواست وضوء بگیرد) بر خفین مسح نماید، پس در این وضعیت او در روز دوشنبه با خفین نماز صبح و ظهر و عصر و مغرب و عشاء را خوانده و تمامی این مدت، بعنوان زمان جواز استفاده از خف پایش محسوب نمی شود زیرا او هنوز بر خفین مسح نکرده و این مدت زمان قبل از مسح خفین بوده است، بعد از آن صبح روز سه شنبه بر خفین مسح کرده و نماز می خواند و بعد در ظهر دوباره مسح می کند و عصر نیز مسح می کند و مغرب باز مسح می کند و عشاء نیز دوباره مسح می کند و همچنین می تواند چنانکه مدت زمان جواز مسح بپایان نرسیده باشد برای (نماز صبح) روز چهارشنبه نیز آنرا مسح کند (و تا پایان آنروز چنانکه وضویش باقی بماند سایر نمازهای دیگر را نیز بخواند).

مسح برموزه و جوراب

مثلاً فرض کنیم او در روز سه شنبه ساعت پنج صبح بر خفین مسح کند (پس شروع مدت مسح از این لحظه است) تا اینکه نماز عشاء روز چهارشنبه را نیز بخواند، حال در حقیقت او با این وضوء (علاوه بر نمازهای روز سه شنبه) نماز صبح چهارشنبه و نیز نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را نیز خوانده، پس از لحظه ای که خفین را پوشیده پانزده نماز را خوانده است (نماز روز دوشنبه نیز محسوب شده است)، زیرا او خفین را در نماز صبح روز سه شنبه و در ساعت پنج پوشیده و بعد در روز چهارشنبه ساعت چهار و چهل و پنج دقیقه ی صبح (4:45 دقیقه) بر آنها مسح کرده و وضوءیش تا زمانیکه نماز عشاء آنروز را می خواند باقی مانده، بنابراین او پانزده نماز را از لحظه ی پوشیدن خفین خواند.

کشیدن خفین بعد از مسح:

هرگاه شخصی وضوء بگیرد و بر خفین مسح کند، و در اثنای مدت زمان جواز مسح خفین خود را در بیاورد، مثلاً قبل از نماز عصر، آیا او نماز بخواند واصلاً نمازش صحیح است یا اینکه وضوءیش با بیرون آوردن خفین باطل شده است؟ قول راجح بین اقوال اهل علم و آنچه که شیخ الاسلام ابن تیمیه و جماعتی از اهل علم برگزیده اند اینست که وضوء با درآوردن خفین از پا باطل نمی شود، پس اگر کسی وضوء داشته باشد ولی بعد خفین خود را درآورد، با این عمل وضوءیش باطل نخواهد شد، زیرا وقتی که شخصی هنگام وضوء گرفتن از خفین استفاده می کند و بر آن مسح می نماید در حقیقت وضوءیش بمقتضی دلیل شرعی کامل است، پس چنانکه آنها را بیرون آورد باز وضوءیش بنا به مقتضی دلیل شرعی ثابت می ماند و جز با وجود دلیل شرعی امکان نقض وضوء وجود ندارد، از طرفی هیچ دلیلی وجود ندارد که درآوردن خفین یا جوراب باعث ابطال وضوء شود و بر این اساس وضوءی چنین کسی باقیست، اما اگر او بعد از اینکه خفین را درآورد دوباره آنها را پوشید و خواست مانند سابق بر آنها مسح کند در اینصورت بنا بر آنچه که از کلام اهل علم در این مورد می دانم این عمل وی جایز نیست (مگر اینکه هنوز اولین وضوءیش که در آن پاهایش را شسته بود باقی مانده باشد).

نوع جوراب ها در مسح :

نوع جوراب ها طوریکه در فوق هم یاد اور شدیم یکی از موضوعات اختلافی در بین علماء بوده و تعدادی از فقها بدین باور اند که جوراب که بدان مسح صورت میگیرد، حتماً باید جرمی باشد. حتی برخی از اهل علم از جمله (علمای مذهب امام صاحب شافعی و پیروان امام صاحب مالک) بدین باور اند که : مسح بر غیر خفین (که از جنس چرم و پوست است) جایز نیست. این تعداد علماء بدین عقیده اند که : جوراب در حکم خف نیست، و می افزایند که : هیچ حدیثی در جواز مسح بر جوراب ثابت نشده است.

در مورد ثبوت مسح بر خفین و جوراب ها همان حدیثی امام ترمذی که در سنن خود از مغیره بن شعبه رضی الله عنه روایت نموده است، میتوان استدلال نمود: « تَوَضَّأَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَمَسَحَ عَلَى الْجُورَبَيْنِ وَالنَّعْلَيْنِ » ترمذی (99) و ابن ماجه (559). یعنی : «پیامبر صلی الله علیه وسلم وضوء گرفت و بر جورابها و نعلین اش مسح کرد».

مؤلف « القاموس » مینویسد که: الجوراب: لفافة الرجل (جامه پا، یعنی پارچه ای که بر پا پیچند). و ابوبکر بن العربی گفته : « والجورب هو عشاء من الصوف يتخذ للتدفئة ». یعنی : جوراب، پوششی برای پا از جنس پشم است که برای گرم نگهداشتن آن بکار می رود».

و از یحیی البکاء روایت است که گفت : شنیدم که ابن عمر می گفت : « المسح على الجوربين كالمسح على الخفين ». یعنی : «مسح بر جورابها مانند مسح بر خفین است». « المصنف » لابن ابي شيبه (1 / 173).

و امام ابن حزم گفته : «مسح بر هر چیزی که بر پا پوشند سنت، چیزی که پوشیدن آن مباح باشد و

مسح برآموزه و جوراب

تا مافوق کعبین را دربرگیرد، و فرقی ندارد که خفین از پوست باشد یا پنبه یا عود یا حلفاء (گیاهی که از آن حصیر سازند) یا جوراب کتانی و یا پشمی یا پنبه یا مو» «المحلی " (1 / 321) .

مسح بر جبیره (باند و پانسمان زخم):

جبیره (پانسمان) به آن چیزی گفته میشود که شکستگی استخوان را اصلاح و توانا می سازد (چوبهایی که بر شکسته بندند) و منظور از آن نزد فقها، هرآنچه که در عضو طهارت به سبب نیاز قرار داده می شود، مانند گچی که بر روی شکستگی است یا مرهمی (نوار چسب دست(طبی) یا زخم) که بر روی زخم قرار می گیرد و نیز آنچه که مشابه آنست، که مسح بر آن بجای شستن کافیهست.

چنانچه تشخیص دهیم که لازمست تا بر زخم ساق یا بازو (یا هر عضو وضوعی دیگری) فلستری چسبی باشد و بدان احتیاج دارد در اینصورت می توان بجای شستن بر آن مسح نمود، و وضوع گرفتن با چنین حالتی کامل است بدین معنا که اگر فرض شود این شخص حتی این پانسمان یا چسب را باز کند، باز طهارت وی باقیست و با بازکردن آنها وضوع باطل نمی شود زیرا آن وضوع بر وجه شرعی و بصورت کامل انجام شده است، و بازکردن مرهم یا پانسمان دلیلی بر باطل شدن وضوع یا طهارت نیست، و نیز دلیلی در جبیره که معارض با این قول باشد وجود ندارد. البته برخی از احادیث ضعیف وجود دارند که برخی از اهل علم بدانها استناد کرده اند و گفته اند: مجموع این احادیث ضعیف باعث می شود که بعنوان حجتی به حساب بیایند و برخی از اهل علم نیز گفته اند که بدلیل ضعف آن احادیث نمی توان بدانها استناد و اعتماد نمود، و لذا علماء اختلاف کرده اند و برخی چنین رای داده اند که : طهارت عضوی که بر آن باند یا پانسمان است لازم نیست زیرا او از طهارت آن عاجز و ناتوان است، و برخی چنین رای داده اند که: باید ابتدا بجای آن عضو باندپیچی شده یکبار تیمم بگیرد ولی ضرورتی نیست که بر آن مسح کند. اما جدای از حجت یا حجت نبودن آن احادیث می توان گفت که نزدیکترین اقوال به قواعد شرعی آنست که عضو باند پیچی شده مسح می گردد و این مسح آنرا از گرفتن تیمم بی نیاز می گرداند. و هنگامیکه می گوئیم: هرگاه شخصی زخمی را در اعضای طهارت یافت، چند حالت برای آن وجود دارد:

حالت اول: زخم مکشوف است(باند پیچی نشده) و شستن آن نیز ضروری وارد نمی سازد، در این حالت شستن آن واجب است.

حالت دوم: زخم مکشوف است و شستن بدان ضرر می رساند ولی مسح آن بدون ضرر است، در این حالت شستن واجب نیست ولی مسح آن واجب می شود.

حالت سوم: زخم مکشوف است ولی هم شستن و هم مسح بدان ضرر می رساند، در این حالت باید بجای آن عضو، تیمم بگیرد.

حالت چهارم: زخم بوسیله ی باند و پانسمان بسته شده است زیرا بدان نیاز بود، در این حالت بر روی باند یا پانسمان یا مشابه آنها مسح می شود و لازم به شستن نیست.

شرط مسح بر جبیره:

در شرط مسح بر جبیره باید گفت که : بر جبیره مسح نمی شود مگر هنگامی که ضرورت و نیازی باشد، که در آنصورت به اندازه توانایی و به اندازه آن مسح بر آن واجب می شود، و البته در اینجا منظور از نیاز و ضرورت فقط وجود زخم یا شکستگی نیست، بلکه هرآنچه که بستن باند یا پانسمان یا چسب برای آن ضرورت داشته باشد، پس آن مورد نیز جزو ضرورت و نیاز خواهد بود.

مسح گاز پانسمان زخم :

مسح بالای گاز و پانسمان زخم در حکم مسح بالای جبیره میباشد با یک تفاوت که مانند مسح بر خفین نیست که مدت زمان معینی برای آن در نظر گرفته شود، بلکه تا زمانی که بدان نیاز باشد می

مسح بر موزه و جوراب

توان بر آن مسح نمود، و همچنین بر خلاف خفین می توان بر جبیره چه در وضوء و چه در غسل بر آن مسح کرد، پس هرگاه غسل واجب گردد باید بمانند وضوء بر جبیره مسح شود.

کیفیت مسح بر جبیره:

در کیفیت مسح بر جبیره علماء بدین عقیده اند که: مسح کل آن لازمست، زیرا طبق اصل بدل حکم مبدل را دارد (یعنی مسح حکم شستن را دارد) و در سنت نبوی خلاف این امر وارد نشده است، و در اینجا مسح جایگزین شستن می شود (مسح بدل شستن است) و همانطور که شستن، کل عضو را دربر می گیرد پس مسح نیز لازم است کل جبیره را دربر بگیرد، ولی مسح بر خفین در حقیقت رخصتی از جانب شرع است از طرفی جواز اکتفا به مسح قسمتی از خفین یا جوراب در سنت وارد شده است. (یعنی برای این مورد دلیل شرعی وجود دارد ولی برای جبیره خیر)

چرا مسح مستقیماً بالای پا صورت نگیرد؟

طوریکه در فوق یاد آور شدیم کسیکه در حال طهارت باشد یعنی وضوء داشته باشد و سپس جوراب بپوشد، میتواند تا مدت یک شبانه روز هنگام وضوء روی پاها خویش را مسح کند، و اگر مسافر باشد میتواند تا مدت سه شبانه روز روی پاهایش مسح کند، و دلیل مسح کردن روی پاها همان روایت مغیره بن شعبه رضی الله عنه است که گفت: «كنت مع النبي صلى الله عليه وسلم ذات ليلة في مسير، فأفرغت عليه من الإداوة فغسل وجهه و ذراعیه و مسح برأسه، ثم أهويت لإتزع خفيه فقال: دعهما فأتى أدخلتها طاهرتين. فمسح عليهما» (متفق عليه) (شبی در راه با پیامبر صلی الله علیه و سلم بودم، از آبی که در ظرف بود بر دستهایش ریختم، صورت و دستهایش همراه با ساعدهایش را شست و سرش را مسح کرد، سپس خواستم تا خفهایش را در بیاورم فرمود: آنها را در نیاور چون در حالت طهارت آنها را پوشیده‌ام (وضوء داشتم) سپس بر آنها مسح کرد).

بنابراین سنت آن است که روی پاها مسح شود، و امام نووی رحمه الله در شرح مسلم (3/164) می‌گوید: «همه‌ی کسانی که به اجماعشان اعتماد می‌شود، بر جایز بودن مسح خفین (موزه‌ها) در سفر و حضر اجماع کرده‌اند، خواه برای ضرورت باشد یا غیرضرورت، حتی برای زنی که همیشه در خانه است یا از پا افتاده‌ای که توانایی حرکت ندارد نیز جایز است، و حسن بصری رحمه الله گوید: هفتاد نفر از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و سلم برای من روایت کرده‌اند که پیامبر صلی الله علیه و سلم خفین را مسح می‌کرد.»

و دلیل مدت زمان مسح روایتی است که از علی ابن ابی طالب رضی الله عنه آمده است که گفت: «جعل رسول الله صلى الله عليه وسلم ثلاثة أيام ولياليهن للمسافر و يوماً و ليلة للمقيم» (صحیح مسلم) (پیامبر صلی الله علیه و سلم مدت مسح را) سه شبانه روز برای مسافر و یک شبانه روز برای مقیم تعیین کرد).

و اینکه حضرت علی رضی الله عنه فرمود: «لو كان الدين بالرائي لكان أسفل الخف أولى بالمسح من أعلاه، لقد

رأيت رسول الله صلى الله عليه وسلم يمسح على ظاهر خفيه» (صحیح - ابوداود 162 / 278 / 1)

(اگر دین بر اساس رأی - اشخاص - می‌بود مسح قسمت زیرین خف بر مسح بالای آن برتری داشت، ولی پیامبر صلی الله علیه و سلم را دیدم که بالایخف را مسح می‌کرد).

منظور اینست که کسی که فقط بمجرد رأی و نظر سریع و سطحی به مسائل شرعی بنگرد، فکر میکند که ربطی به عقل ندارد، مانند مسئله مسح خفین که ظاهراً باید زیر پاها مسح شوند نه بالای آنها، از آنجاییکه کف پاها محل تماس با زمین هستند و کثیف میشوند، ولی اگر به دقت بدین مسئله و همچنین سایر مسائل شرعی بنگریم میبینیم که هیچ مسئله شرعی مخالف عقل نیست، و در مسئله مسح پاها نیز همینطور، و با کمی دقت خواهیم دانست که در مسح بالای پاها بجای زیر آنها نیز حکمتی وجود دارد و آن اینست که اگر زیر پاها مسح شوند از آنجاییکه فقط کمی آب به سطح کف پاها میرسد سبب آلودگی و کثافت بیشتر پاها و همچنین زمین میشود و جای نماز کثیفتر خواهد کرد، لذا بالای پاها بجای زیر پاها مسح میشوند

سوال و جواب توضیحی در مورد مسح:

احکام مسح بر موزه‌ها:

سوال: بر کدام نوع از موزه‌ها مسح کردن جایز است؟

جواب: مسح بر سه نوع موزه جایز است:

1 - موزه‌ای که از چرم باشد و تا بچلک پاها در آن پنهان شوند.

2- جوراب .

سوال: در چه صورتی مسح بر موزه‌ها جایز است؟

مسح بر موزه و جوراب

جواب: هنگامی که موزه‌ها پس از وضوعی کامل پوشیده شوند، آنگاه اگر بی‌وضوع شد، از همان لحظه که وضوع می‌گیرد، بر موزه‌ها مسح کند.

سوال: تا چند روز پیاپی می‌توان بر موزه‌ها مسح کرد؟

جواب: برای شخص مقیم تا یک شبانه روز، و برای مسافر تا سه شبانه روز، مسح جایز است. ترتیب مسح بر موزه:

ترتیب مسح طوری است که: قسمت پشت پا بدین صورت مسح شود که با انگشتان دست از سر انگشتان پا به سوی قسمت بالای پا، مسح کند.

سوال: آیا در وضوع و غسل در هر دو حال مسح بر موزه‌ها جایز است؟

جواب: خیر! فقط در حال وضوع مسح جایز است و در صورت غسل، مسح جایز نیست.

سوال: مسح بر موزه‌هایی که پاره هستند جایز است یا خیر؟

جواب: اگر موزه آنقدر پاره شده باشد که در وقت راه رفتن، سه انگشت پا ظاهر می‌شود، مسح بالای جایز نیست و اگر کمتر از آن باشد جایز است.

حکم مسح بر گیبیس (فلستر زخمی پای و دست شکستگی)

سوال: گیبیس به چه چیزی گفته می‌شود؟

جواب: جبیره در واقع آن چوبی است که بعد از شکسته شدن استخوان برای بهبودی روی زخم بسته می‌شود. ولی هدف از گیبیس عام است، به چوب یا باند یا چسب یا گچ و غیره که روی زخم بسته می‌شود، گیبیس هم گفته می‌شود.

سوال: آیا مسح بر باند یا گچ و غیره جایز است یا خیر؟

جواب: بلی! جایز است در صورتی که باز کردن آن برای زخم ضرر داشته باشد و اگر به اسانی باز شود و شستن زخم ضرری نداشته باشد، شستن آن لازم است.

سوال: آیا فقط بالای زخم و برابر آن مسح شود یا مسح کل گیبیس الزامی است؟

جواب: باید تمام گیبیس مسح شود، زخم خواه در زیر قسمتی از گیبیس باشد یا تمام آن.

سوال: مدت مسح از چه زمانی آغاز می‌شود؟

جواب: از وقتی که بی وضوع شده است برای مقیم یک شبانه روز، و برای مسافر سه شبانه روز

مسح جایز است. مثلاً اگر کسی برای نماز فجر جمعه وضوع گرفت و موزه پوشید و تا وقت عصر با وضوع بود، آنگاه بی وضوع شد از همان وقت به مدت یک یا سه شبانه روز بر موزه‌ها مسح کند.

سوال: مسح از چه چیزی باطل می‌شود؟

جواب: هر آنچه وضوع را باطل می‌کند، مسح را نیز، باطل می‌کند. علاوه بر آن، مسح از این موارد هم باطل می‌شود:

1- موزه‌ها را از پا بیرون کشید.

2- به اندازه سه انگشت پا، موزه پاره شده باشد.

سوال: اگر در حال وضوع موزه را از پا بیرون کشید یا مدت مسح به پایان رسید چه کار بکند؟

جواب: در هر دو صورت فقط پاهایش را شسته موزه‌ها را بپوشد. برگرداندن تمام وضوع مستحب است، لازم نیست.

سوال: اگر مسافری پس از اینکه مدت یک شبانه روز بر موزه‌ها مسح کرده بود، به خانه بازگشت و مقیم شد حکمش چیست؟

جواب: موزه‌ها را از پا بیرون بکشد و مجدداً بر آنها مسح کند.

سوال: اگر مقیمی مسح را شروع کرد و سپس مسافر شد، حکمش چیست؟

جواب: اگر پیش از تمام شدن یک شبانه روز مسافر شد، تا سه شبانه روز بر موزه‌ها مسح کند و اگر بعد از تمام شدن یک شبانه روز سفر کرد، موزه‌ها را از پا بیرون کشیده، مجدداً، مسح کند.

سوال: اگر موزه از جاهای مختلف پاره شده بود، مسح بر آن جایز است یا خیر؟

مسح برموزه و جوراب

جواب: اگر يك موزه از جاهای مختلف پاره شده بود و مجموع پارگیهای آن، به اندازه سه انگشت پا می‌شد، مسح جایز نیست، ولی اگر جاهای پاره شده هر دو موزه، برابر با سه انگشت پا باشد، در چنین حالی مسح جایز است. **پایان**

فهرست مطالب :

- مسح برموزه و جوراب
- شروط ثابت و صحیح مسح بر خُفها
- پوشاندن کل پای با جوراب ها:
- نظر فقه حنفی درمورد مسح بر موزه و یا هم چراب
- عدم دست یابی به آب
- نیت در مسح بر خُفین و جوراب ها
- مدت و وقت مسافرت
- تغییر حالات مقیم به مسافر، و مسافر به مقیم در مسح
- شک درمورد زمان آغاز مسح
- اتمام زمان مسح
- مسح مجدد بر خُف و جوراب ها
- موضوع در آوردن خُفین در مسح
- کیفیت مسح و محل آن
- موضوع مسح بر ظاهر و قسمت های پایین خُفین
- حکم در آوردن جوراب
- موضوع مسح برای پنج نماز
- کشیدن خُفین بعد از مسح
- نوع جوراب ها در مسح
- مسح بر جبیره (باند و پانسمان زخم)
- مسح گاز پانسمان زخم
- چرا مسح مستقیماً بالای پا صورت نگیرد
- سوال و جواب توضیحی درمورد مسح

مسح برموزه و جوراب

تتبع ، نگارش و نوشته از:

الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »

وداکتر صلاح الدین « سعیدی - سعید افغانی »

ادرس ارتباطی :

saidafghani@hotmail.com

strategicstudies@yahoo.com

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**